

انتخابات ناعادلانه

مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، ش ۲۲۳، زمستان ۱۳۹۲

روز ۳۰ بهمن ۱۳۹۲ نامه ای از طرف رئیس محترم دادگاه عالی انتظامی قضات به کانون وکلای دادگستری مرکز رسید که اسامی ۸۵ تن از ۱۱۴ تن از نامزدهایی را که برای شرکت در بیست و هشتمین دوره انتخابات هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز ثبت نام کرده اند تایید صلاحیت و درباره ۲۹ تن دیگر اظهار نظری نکرده است. این نامه از جهات گوناگون ناسازگار با قانون «کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری» مصوب سال ۱۳۷۶ است. هر یک از وکلای دادگستری که نامزد انتخابات عضویت در هیأت مدیره کانون وکلا شده اند با داشتن پروانه وکالت معتبر و ۳۵ سال سن و ۸ سال سابقه وکالت، فرض بر این است که دارای صلاحیت عضویت در هیأت مدیره هستند و فرستادن یک نامه از طرف رئیس دادگاه عالی انتظامی قضات و اعلام اینکه ۸۵ تن از ۱۱۴ نامزد عضو هیأت مدیره دارای صلاحیت هستند مغایر نص و روح قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری است. به دیگر سخن دادگاه عالی انتظامی قضات بر پایه ماده ۴ این قانون، تنها باید در باره آن دسته از نامزدهایی اعلام نظر کند که دلایلی بر عدم صلاحیت آنان آن چنان که خواهم گفت وجود داشته باشد. بنابراین اعلام اسامی ۸۵ تن از نامزدها به کانون وکلا و مسکوت گزاردن وضعیت ۲۹ تن دیگر از نامزدهای انتخابات هیأت مدیره کانون در جای خود تخلف از اجرای این قانون است.

با این مقدمه لازم می دانم نکاتی را در زمینه قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری که در فروردین ماه ۱۳۷۶ به تصویب مجلس رسید و رسیدگی به صلاحیت نامزدهای انتخابات کانون وکلا را در صلاحیت دادگاه عالی انتظامی قضات دانست یادآور شوم. این قانون از جهات گوناگون ناسازگار با قانون اساسی و استقلال کانون وکلای دادگستری و مندرجات آن نشان دهنده نبود حسن نیت در تقدیم کنندگان طرح آن است. این قانون هنگامی به تصویب مجلس رسید که وکلای دادگستری به ناروا از حق انتخاب هیأت مدیره کانون محروم شده بودند و شورای عالی قضایی وقت در سال ۱۳۶۳ در یک تصمیم اداری غیرقانونی و خلاف قانون اساسی از طریق نصب سرپرست، اداره کانون وکلا را به دست گرفته بود. بنابراین کانون وکلای دادگستری در سال ۱۳۷۶ وجود نداشت تا

* استاد دانشکده حقوق - دانشگاه شهید بهشتی

اعتراضات خود را به اینگونه قانونگزاری به مجلس و شورای نگهبان اعلام و مانع از تصویب چنین قانونی شود. به غیر از ایرادات اصولی که به عنوان و مندرجات این قانون در زمینه شروط داوطلبان ورود به حرفه و کالت دادگستری و پیش بینی ۳۰ درصد سهمیه در ماده ۳ این قانون وجود دارد که برپایه بندهای ۹ و ۱۴ اصل سوم قانون اساسی یک تبعیض ناروا و مغایر اصل برابری عموم در برابر قانون است، شروط مقرر در ماده ۴ این قانون برای نامزدهای انتخابات هیأت مدیره کانون و تبصره یک آن قابل انتقاد هستند. در تبصره یک ماده ۴، برای اعلام نظر در زمینه عدم اشتغال یک نامزد انتخاباتی به فساد اخلاق و یا عدم ارتکاب اعمال خلاف حیثیت و شرافت و شوون شغل و کالت از دادگاه عالی انتظامی قضات خواسته است که از «مراجع ذیصلاح قانونی که از نامزدها سوابق یا اطلاعاتی دارند» استعلام کند. ولی هیچ روشن نکرده است کدام یک از مراجع قانونی، حق اظهار نظر در باره عدم صلاحیت یک وکیل دادگستری را دارند که دارای پروانه معتبر است و به حرفه و کالت اشتغال دارد. به باور من چنین مرجعی در کشور وجود ندارد که درباره صلاحیت یک وکیل دادگستری اظهار نظر کند. تنها مرجعی که می تواند نسبت به پیشینه حرفه ای یک وکیل دادگستری اظهار نظر کند همان دادگاه انتظامی کانون و کلاست که در بند «ب» ماده ۴ این قانون تصریح شده است: «از طرف دادگاه انتظامی، صلاحیت قضایی یک وکیل سلب نشده باشد» و یا در بند «ج» تصریح شده «محکومیت انتظامی درجه ۴ و بالاتر نداشته باشد». بنابراین دادگاه عالی انتظامی قضات نمی تواند از مراجع دیگری چون وزارت اطلاعات یا اداره پیشینه کیفری، در زمینه صلاحیت یک وکیل دادگستری استعلام کند. زیرا وظایف این دستگاهها مربوط به اشخاص عادی است و این نهادها در موقعیتی نیستند که در باره داشتن یا نداشتن صلاحیت یک وکیل دادگستری دلایل و مدارکی را به دادگاه عالی انتظامی قضات ارائه دهند. از سوی دیگر اینگونه مراجع نمی توانند در دادگاه عالی انتظامی قضات که باید در یک رسیدگی توافقی اعلام نظر کند نقش شاکی یا مدعی را برعهده گیرند. زیرا وزارت اطلاعات که یکی از دستگاههای حاکمیت است دارای هیچ حقی علیه وکلای دادگستری نیست که طرف دعوی در دادگاه عالی انتظامی قضات قرار گیرد. این ایرادات اصولی نشان می دهند که تقدیم کنندگان طرح این قانون به دنبال درهم شکستن استقلال کانون وکلای دادگستری بوده اند و با تقدیم چنین طرحی و اینگونه قانونگزاری، راه را برای دخالت غیر قانونی در برگزاری انتخابات کانون و کلا هموار ساخته اند.

به هر حال به باور من شیوه اجرای این قانون از سوی دادگاه عالی انتظامی قضات در زمینه رسیدگی به صلاحیت نامزدهای انتخابات هیأت مدیره کانون و کلا قابل انتقاد است. ماده ۴ این قانون مقرر داشته است:

« اعضای هیأت مدیره (اعم از اصلی و علی البدل) کانون و کلا از بین وکلای پایه یک هر حوزه که علاوه بر دارا بودن شرایط مندرج در بندهای (الف) تا (ز) ماده (۲)، واجد شرایط زیر باشند برای مدت دو سال انتخاب می گردند:

الف - داشتن حداقل ۳۵ سال سن

ب - حداقل هشت سال سابقه وکالت یا چهار سال قضاوت به انضمام چهارسال وکالت داشته و از طرف دادگاه انتظامی صلاحیت قضایی آنان سلب نشده باشد.

ج - عدم محکومیت انتظامی درجه ۴ و بالاتر

د - عدم اشتهار به فساد اخلاق (سوء شهرت)

ه - عدم ارتکاب اعمال خلاف حیثیت و شرافت و شؤون شغل وکالت

تبصره یک - مرجع رسیدگی به صلاحیت نامزدها، دادگاه عالی انتظامی قضاوت بوده که مکلف است ظرف حداکثر دو ماه ضمن استعلام سوابق از مراجع ذیربط، صلاحیت آنان را بررسی و اعلام نظر کند و مراجع ذیصلاح قانونی که از نامزدها سوابق یا اطلاعاتی دارند در صورت استعلام موظف به اعلام آن می باشند».

از آنجا که نامزدهایی که در این دوره ثبت نام کرده اند همگی دارای پروانه وکالت معتبر هستند بنابراین لزوماً باید گفت دارای شروط مقرر در بندهای (الف) تا (ز) ماده ۲ این قانون می باشند والا نمی توانستند به حرفه وکالت دادگستری اشتغال داشته و یا برای انتخابات هیأت مدیره کانون ثبت نام کنند. بنابراین دادگاه عالی انتظامی قضاوت باید تنها در زمینه شمول هریک از شروط و موانع یاد شده در بندهای الف تا ه ماده ۴ این قانون را که نقل کردم در مورد هر یک از نامزدها رسیدگی و حکم صادر کند. پاره ای از این شروط در مورد هریک از نامزدها آشکار هستند مانند داشتن ۳۵ سال سن، هشت سال سابقه وکالت، نداشتن محکومیت انتظامی درجه ۴ و بالاتر که این موارد از روی فتوکپی شناسنامه و گزارش پرونده حرفه ای هریک از نامزدها به سادگی قابل تشخیص است و هیأت مدیره کانون یا دادگاه انتظامی کانون می توانند در باره آن ها اظهار نظر کنند و نیازی به رسیدگی دادگاه عالی انتظامی قضاوت برای احراز آن ها وجود ندارد. باقی می ماند بندهای (د) عدم اشتهار به فساد اخلاق (سوء شهرت) و (ه) عدم ارتکاب اعمال خلاف حیثیت و شرافت و شؤون شغل وکالت.

این دو مورد، اتهام های سنگینی هستند و اگر هر وکیلی در معرض آن ها باشد در صورت اثبات در یک مرجع صلاحیتدار، اصولاً باید از ادامه اشتغال به حرفه وکالت منع شود. زیرا اشتغال به این حرفه شریف نیازمند امانت و درستکاری است و وکیلی که دارای سوء شهرت باشد و یا مرتکب اعمال خلاف حیثیت و شرافت و شؤون شغل وکالت شده باشد نباید بتواند وکالت دادخواهان را برعهده

گیرد. از سوی دیگر اگر شکایتی در این موارد علیه یکی از وکلای دادگستری وجود داشته باشد مرجع رسیدگی به این شکایت و پیگرد و کیل، دادرسا و دادگاه انتظامی کانون و کلاست و دادگاه عالی انتظامی قضاات بدون وجود یک شکایت و انجام مراحل رسیدگی دادرسا و دادگاه انتظامی کانون و کلا، صلاحیت ورود به رسیدگی به چنین اتهام هایی را ندارد. بنابراین بندهای (د) و (ه) قانون کیفیت اخذ پروانه دادگستری که عناوینی چون عدم اشتهار به فساد اخلاق (سوء شهرت) و یا عدم ارتکاب اعمال خلاف حیثیت و شرافت و شئون شغل و کالت را از موانع شرکت نامزدها در انتخابات هیأت مدیره کانون دانسته جداً قابل انتقاد هستند.

حتی اگر دادگاه عالی انتظامی قضاات بخواهد بر پایه ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه و کالت و تبصره آن به چنین اتهام هایی در مورد هریک از نامزدهای انتخابات هیأت مدیره کانون رسیدگی کند، الزاماً باید فرصت دفاع را به نامزدها بدهد. زیرا حق دفاع، بنیادی ترین حق در هر گونه دادرسی خواه مدنی، کیفری و یا انتظامی در یک جامعه مردم سالار است. بنابراین دادگاه عالی انتظامی قضاات که یک مرجع قضایی است و بر پایه نص تبصره یک ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه و کالت دادگستری مرجع «رسیدگی» به صلاحیت هریک از نامزدهاست نمی تواند حق دفاع را از نامزدهایی که در معرض چنین اتهامی هستند سلب کند. این رسیدگی نیازمند آن است هریک از نامزدهایی که در معرض چنین اتهامی هستند و به فرض، گزارش های قابل اعتمادی علیه آنان وجود دارد دعوت به رسیدگی در جلسه دادگاه انتظامی شود و دلایل اینگونه اتهام ها در اختیار وی گزارده شود تا او بتواند با داشتن فرصت کافی نسبت به ردّ این دلایل و دفاع از خود اقدام کند و سپس دادگاه عالی انتظامی قضاات در یک دادنامه مستدل بر پایه اصل ۱۶۶ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی نسبت به صلاحیت یا نداشتن صلاحیت چنین نامزدی اعلام نظر کند.

بسیار تأسف انگیز است که در کشور ما وکلای دادگستری که سنگربانان حق دفاع شهروندان بر پایه اصل ۳۵ قانون اساسی در دادرساها و دادگاهها هستند، هنگامی که نامزد انتخابات هیأت مدیره کانون و کلا می شوند به ناروا و بدون وجود یک شاکی در معرض چنین اتهام های سنگینی قرار گیرند و از حق دفاع که جوهر هرگونه رسیدگی قضایی در یک جامعه مردم سالار است محروم شوند.

با توجه به این نکات که در رسیدگی دادگاه عالی انتظامی خواه نسبت به قضاات و یا نامزدهای عضویت هیأت مدیره کانون های و کلا رعایت آن ها الزامی است، فرستادن یک فهرست به هر کانون و تأیید صلاحیت گروهی از نامزدها، برای حضور در انتخابات به معنی رسیدگی قضایی مذکور در تبصره یک ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه و کالت دادگستری نیست و نقض آشکار قانون و تضييع حق نامزدهای انتخابات کانون و کلاست.

از سوی دیگر در میان نام‌های ۲۹ تن از نامزدها که دادگاه عالی انتظامی قضات نسبت به صلاحیت آنان سکوت اختیار کرده است نام‌های وکلای برجسته‌ای وجود دارند که در دوره‌های گوناگون افتخار عضویت هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز را داشته و مورد اعتماد و علاقه تام وکلای دادگستری هستند. دادگاه عالی انتظامی قضات چه دلایلی در دست داشته است که آنان را مشمول عناوین «سوء شهرت» و یا «ارتکاب اعمال خلاف شوون و کالت» دانسته است؟ این اشخاص همگی به حسن شهرت اشتهار دارند و حتی قرینه‌ای بر سوء شهرت یا ارتکاب اعمال خلاف حیثیت و شرافت و شوون شغل و کالت از سوی آنان وجود ندارد که در معرض تصمیم به رد صلاحیت از سوی دادگاه عالی انتظامی قضات قرار گیرند. دیگر وکلای دادگستری که نامزد انتخابات هیأت مدیره شده‌اند نیز افراد خوش نامی هستند و هیچ دادرسی عادلانه‌ای در مورد آنان برگزار نشده است تا اتهام‌های سنگین مذکور در بندهای (د) و (ه) ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه و کالت دادگستری در مورد آنان به اثبات رسیده باشد. بنابراین سکوت دادگاه عالی انتظامی قضات و اعلام نظر نکردن در باره آنان هیچ توجیه قانونی ندارد.

کانون وکلای دادگستری بر پایه قانون استقلال کانون مصوب اسفند ۱۳۳۳ مؤسسه‌ای است مستقل و دارای شخصیت حقوقی و باید در چارچوب اصل ۲۶ قانون اساسی از آزادی در زمینه‌های گوناگون از جمله انتخابات آزاد و عادلانه در برگزیدن اعضای هیأت مدیره و اداره امور کانون و کلا برخوردار باشد. شیوه برخورد دادگاه عالی انتظامی قضات در اجرای مندرجات ماده ۴ و تبصره آن از قانون کیفیت اخذ پروانه و کالت دادگستری نقض آشکار الزامات این ماده و تبصره آن است. فرستادن یک نامه «از طرف رئیس محترم دادگاه عالی انتظامی قضات» به کانون و کلا به هیچ عنوان به معنی یک اعلام نظر قضایی نسبت به یک یک نامزدهایی که ادعای عدم صلاحیت آنان در میان است نبوده و نیست و این شیوه برخورد از یک سو تضييع حق نامزدهای انتخابات هیأت مدیره کانون و از سوی دیگر محروم کردن وکلای دادگستری از حق انتخابات آزاد و عادلانه است. هیچ روشن نیست چه کسانی در روند تصمیم‌گیری‌ها در اجرای این قانون دخالت کرده و چنین انتخابات ناعادلانه‌ای را در این دوره از انتخابات هیأت مدیره کانون رقم زده‌اند. ولی آنچه روشن و تأسف انگیز است آستانه تحمل حاکمیت در کشور ما در برگزاری انتخابات هیأت مدیره کانون و کلاست که قطعاً به حیثیت جهانی کشور ما در صحنه جهانی آسیب‌های جبران‌ناپذیری را وارد ساخته است.

پایان